

بسم الله الرحمن الرحيم

فرمت مشترک برنامه‌های میان‌مدت میزکارهای تخصصی

(عناصر مشترک الزامی در بسته جامع حل مسئله)

میز آموزش و پرورش

فرم شماره ۲

شناسنامه مسئله

عنوان مسئله: ضعف حضور بایسته مبانی و معیارهای اسلامی در ارکان و اجزاء نظام آموزش و پرورش رسمی^۱ (ساختار، برنامه و محتوای درسی، منابع انسانی)

توصیف چپستی و ابعاد مسئله:

گسترش معرفت دینی و تعمیق بینش اسلامی، یکی از اهداف انقلاب اسلامی است. نهاد آموزش و پرورش، اصلی‌ترین نهادی است که در تعلیم و تربیت نقش‌آفرینی می‌کند. لذا تلاش برای بهینه‌سازی و تعمیق فعالیت‌های معرفتی آموزش و پرورش، در راستای رسالت اهداف انقلاب اسلامی از تأثیر غیرقابل‌انکاری برخوردار است. لذا نهاد آموزش و پرورش لازم است جهت پوشش دادن هرچه بیشتر به اهداف انقلاب اسلامی در لایه‌های ساختار، برنامه و محتوای درسی، منابع انسانی به‌طور مستمر رصد و پایش شود و در راستای حل مسائل و نقایص احتمالی، گام بردارد. تلاش در جهت حل نقایص معرفتی، به لحاظ ضعف حضور بایسته مبانی و معیارهای اسلامی در برنامه‌ها و محتواهای درسی و نقص در بهره‌گیری از معارف اسلامی در تدوین متون و نیز کاستی‌های موجود در فرایند تربیت‌معلم و عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های حوزه‌های علمیه در عرصه‌ی نیروهای انسانی، ضعف ساختاری و عدم ارتباط این نهاد با سازمان‌ها و نهادهای آموزشی کشور از جمله مسائلی است که این نهاد عظیم تربیتی کشور با آن مواجه است. قطب بنیادهای نظری و نظام متقن علوم اسلامی و انسانی، با تشکیل میز بنا دارد تا این مسئله را در همه‌ی ابعاد موردتوجه قرار داده و ابتدا عوامل مؤثر در این عدم توسعه‌یافتگی را شناسایی نموده و سپس بستر لازم جهت تحقق توسعه‌ی معرفت دینی در لایه‌های "ساختار"، "برنامه و محتوای درسی"، "منابع انسانی" را فراهم نماید.

ابعاد مسئله:

۱. عدم کارآمدی لازم در نیروی انسانی آپ معطوف به حوزه تربیت دینی
۲. عدم حضور بایسته مبانی تعلیم و تربیت اسلامی در برنامه‌ی درسی و محتوای آموزشی و پرورشی
۳. کاستی‌های ساختاری-نهادی در آموزش و پرورش، به‌خصوص در شاکله مدرسه
۴. عدم ارتباط ساختاری و ارگانیک میان حوزه‌های علمیه و نظام آپ و عدم تدارک شرایط و لوازم این تعامل

^۱ بر طبق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی نهادی است اجتماعی و فرهنگی و سازمان‌یافته که به‌عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و تعالی فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، مسئولیت آماده‌سازی دانش‌آموزان جهت تحقق مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد که تحصیل آن مرتبه برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد. نمودار گستره این نظام به پیوست فرم شماره یک آمده است. به این ترتیب اقداماتی در تحت گستره‌ی میز قرار می‌گیرد که آموزش و پرورش بماهو آموزش و پرورش مدنظر قرار گرفته باشد، به‌طور مثال اگر تبلیغ دانش‌آموزی، دانش‌آموز را بماهو نوجوان نه بماهو دانش‌آموز در نظر گرفته باشد، در راستای وظایف میز نخواهد بود.

تبیین زمینه‌ها، ریشه‌ها و علل مسئله:

زمینه‌ها:

شاید جدی‌ترین زمینه‌ی مشکل نظام آب در ایران همانا وارداتی بودن آن بدون توجه به میزان تناسب آن با نیازهای واقعی و ارزش‌های اساسی جامعه‌ی ما باشد. یعنی مشکلی که در مورد نظام آموزش عالی (دانشگاه) از حیث عدم تناسب بستر ورود آن با بستر نهادی جامعه‌ی ما مطرح می‌شود، در مورد نظام آب به واسطه‌ی گستردگی زیاد آن، با شدت بیشتری رخ می‌نماید. توضیح اینکه روند پرشتاب ورود مدارس و ساختار آب مدرن به ایران در دوره‌ی رضاخان اتفاق افتاد؛ در آن مقطع تاریخی کشور ما در معرض موجی از غرب‌زدگی قرار گرفته بود که تلاش می‌نمود جامعه‌ی ما را به یکی از اقمار تمدن غرب و طفیلی آن تبدیل کند، بالتبع تمام ساختارهای چنین جامعه‌ای هم باید تأمین‌کننده‌ی اهداف متناظر آن (تبدیل شدن به یک جامعه‌ی حاشیه‌ای در کنار تمدن غرب) می‌بودند. بنابراین نظام آب وارداتی نیز عملاً برای تأمین نیازها و اهدافی مغایر با نیازهای متناظر با بستر فرهنگی و معیشتی (ذهنی و عینی) جامعه‌ی ما داشت و همین امر منجر به شکل‌گیری نطفه‌ی تعارض محتوایی و کارکردی این نظام با الزامات جامعه‌ی بومی ما شد.

ریشه‌ها:

۱. تعارض ارزش‌های نظام آب وارداتی و جامعه

از آنجاکه برای نظام آب طبق هر دیدگاه ارزشی ۲ وظیفه اساسی و مشترک یعنی جامعه‌پذیر کردن افراد (انتقال ارزش‌ها و بینش‌های مورد اعتقاد آن مکتب) و نیز تربیت حرفه‌ای و شغلی برای تأمین معیشت در نظر گرفته می‌شود؛ باید توجه کنیم که ساختار و محتوای نظام آب در غرب به گونه‌ای طراحی شده که اولاً افراد را برای زندگی در دولت-ملت‌هایی با ارزش‌های مدرن تربیت کند و ثانیاً آن‌ها را برای یافتن شغل در یک نظام مبتنی بر سرمایه‌داری صنعتی و مالی آماده گرداند. از آنجاکه ارزش‌های مطلوب جامعه‌ی ایران، اسلامی بوده و کاملاً در تعارض با ارزش‌های معرفتی غرب مدرن (دنیاگرایی و تجربه‌گرایی)، ارزش‌های انسانی آن (اومانیسیم، لیبرالیسم) و ارزش‌های اجتماعی آن (سکولاریسم، سرمایه‌داری) قرار دارد و نیازهای فنی-صنعتی کشور ما نیز باید در چارچوبی سازگار با نظام اجتماعی ما حل شود، لازم بود مواجهه‌ای فعال و نقاد با موج ورود مدارس جدید و نظام آب جدید در ایران صورت گیرد. اما زمینه‌هایی در جامعه‌ی ایران قبل و بعد از انقلاب وجود داشته که باعث شده که علت بروز مسئله که همانا عدم نیازسنجی معرفتی و کاربردی نسبت به آب غربی است تشدید شود.

۲. سلب مرجعیت از نهاد دین

از سویی قرار گرفتن کشور در مسیر مدرنیزاسیون فرهنگی زمینه‌ی سلب مرجعیت از نهاد دین برای ایفای کار ویژه‌ی تعلیم عمومی در اجتماع را فراهم کرده و از سوی دیگر نیز وله و ولع ما در برابر توسعه‌ی تکنیکی-صنعتی غرب این فهم را در میان مسئولان و مردم گسترش‌دهنده که برای پیشرفت لاجرم باید به دنبال همان نوع علوم طبیعی و همان سبک و مواد آموزشی باشیم که در مدارس و دانشگاه‌های غربی وجود دارد. عاملی که باعث شد این نگاه مقلدانه در عرصه‌ی علوم از محتواها و ساختارهای دانشگاهی به برنامه، محتوا و ساختار نظام آب سرریز کند این بود که در این دوران از هدف مستقل آب که تربیت عمومی همه‌ی افراد جامعه بود غفلت شد و آب را صرفاً مقدمه‌ای برای ورود به دانشگاه انگاشتند. همین امر باعث شد که تحولات بعدی آب کاملاً وابسته به این مفهوم (آب چیزی جز مقدمه‌ی دانشگاه و دانشگاه نیز چیزی جز مقدمه‌ی کسب مدرک و شغل نیست) باشند و به نوعی کاکل نظام آب به دانشگاه مقلد غرب‌زده گره بخورد.

بستر استبدادی دوران طاغوت نیز این هر دو زمینه را رنگ و بویی تقلیدی داده و باعث شده ضعف خلاقیت نیز وجهی از علت بروز مشکل در آ.پ ایران باشد.

نتیجه: بنابراین محصول تربیت آ.پ فعلی ایران، دانش‌آموزانی هستند که به‌طور ناخودآگاه غربی تربیت شده‌اند. ساختار خاص آموزشی مدارس مدرن (محیطی صرفاً آموزشی برای سنین ۶ تا ۱۸ سال) نیز عدم تجانس جدی با ساختارهای رشد اجتماعی در فرهنگ اسلامی (مثلاً استقلال فردی و اجتماعی از سن بلوغ) دارد. همین مسئله باعث ۲ گونه آسیب کلان یکی در تربیت شخصیتی افراد و دیگری در تنظیم ساختارهای اجتماعی (ازدواج، اشتغال، ...) شده است.

درجه اهمیت مسئله:

به نظر می‌رسد که با توجه به شدت گستردگی و اثرگذاری نهاد آ.پ در مقیاس ملی بر تربیت افراد جامعه و نیز تناسب وثیق مأموریت حوزه‌ی علمیه و دفتر تبلیغات با امر تعلیم و تربیت، این مسئله باید از اولویت‌های درجه‌یک دفتر تبلیغات باشد. مبنای نظری این اهمیت آن است که آ.پ مهم‌ترین نهاد جامعه‌پذیری و انتقال شناخت و فرهنگ عمومی در هر اجتماع است و برای ایجاد تحول اجتماعی و حرکت به سمت تمدن‌سازی اسلامی دو کار ویژه‌ی مهم تربیت نیروهای پیشرو و همچنین اصلاح فضای افکار عمومی جامعه بر عهده‌ی این نهاد است.

تعمیق و ترویج بینش اسلامی، مهم‌ترین رسالت دفتر تبلیغات اسلامی به شمار می‌رود. در این راستا یکی از بهترین راهبردها، استفاده‌ی مناسب از ظرفیت‌های مهم‌ترین نهادی است که در راستای تعلیم و تربیت فعالیت می‌کند. در این جهت شناسایی نقاط ضعف احتمالی نهاد آموزش و پرورش برای دستیابی به اهداف مذکور و برقراری تعامل صحیح میان حوزه‌های علمیه و دفتر تبلیغات به‌عنوان متولیان ارائه‌ی بینش صحیح اسلامی با نهاد آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد رسمی تعلیم و تربیت در کشور در جهت رفع این نقایص از اهمیت غیرقابل‌انکاری برخوردار است.

چالش‌های حل مسئله:

موانع سخت‌افزاری:

فقدان ساختار کارآمد در سیستم علمی و اجرایی: از سویی آ.پ در محتوا تابع نظام دانشگاهی غرب‌زده‌ی کشور و در فرم هم تابع شکلی بسیار قدیمی از اداره‌ی نظام آموزشی است و از سوی دیگر حوزه‌ی علمیه که خود باید عهده‌دار امر تعلیم و تربیت در کشور اسلامی باشد هم از نظر محتوایی بسیار در این عرصه فقیر است و تولیدات منسجم و اثرگذاری در عرصه‌ی نهادسازی برای تعلیم و تربیت اسلامی ندارد؛ و هم از نظر توان اجرایی در مقایسه با پتانسیل لازم برای اداره‌ی دستگاه عظیم آ.پ در مقیاس ملی تقریباً فاقد هرگونه توان بالفعل قابل‌توجهی هست. ساختار تربیت نیرو در حوزه نیز اساساً مأموریت محور نیست و لذا طلاب در فرآیند رشد علمی خود، هدایت تحصیلی و استعدادی درستی ندارند که این خود باعث کمبود شدید نیروی انسانی کارآمد حوزوی در این عرصه است. همچنین از آنجاکه در نظام ارزش‌گذاری شغلی جامعه‌ی ما، مشاغل مربوط به آموزش و پرورش (اعم از معلمی و برنامه‌ریزی) به دلیل فنی-تکنیکی نبودن و نداشتن آینده‌ی مالی قابل‌توجه جذابیت کمی برای انتخاب شدن به‌عنوان شغل از سوی دانش‌آموزان و دانش‌جویان مستعد دارند. معمولاً نخبگان معدودی در این دستگاه حضور داشته و لذا بدنه‌ی کارشناسی و اجرایی این دستگاه، کشش و همراهی لازم را با ایده پردازی‌های نوین و تحول بخش که درک آن‌ها نیازمند سطح بالایی از نخبگی است، ندارند.

موانع نرم‌افزاری:

۱. نداشتن نظریه‌ی تفصیلی در باب تعلیم و تربیت اسلامی مخصوصاً با نگاه حکومتی و نظام‌سازی اصلی‌ترین چالش نرم این حوزه است.

۲. چالش دوم نیز ضعف زبان مشترک در ارتباط نظری و عملی بین حوزه و آپ است به‌نحوی که اهالی آپ به دلیل خو گرفتن به ادبیات غربی تعلیم و تربیت و اهالی حوزه نیز به دلیل فقدان نگاه نهادی به نظریه‌ی تعلیم و تربیت گویی از دو اتمسفر کاملاً متفاوت باهم روبه‌رو خواهند شد.

۳. عامل نرم‌افزاری مهم دیگر نیز نگاه جامعه (یعنی دانش‌آموزان و والدین و...) به کار ویژه‌ی نهاد حوزه‌ی علمیه است که دستگاه معرفتی و نیروی انسانی آن را توانا برای اداره‌ی نظام تعلیم و تربیت جامعه نمی‌دانند و سقف انتظار آن‌ها از حوزه ایفای نقش آموزشی و تربیتی، در عرصه‌ی محدود رفتار عبادی است.

شبکه مسائل مرتبط:

شبکه مسائل - که متشکل است از، علل، ریشه‌ها، معلول‌ها و پیامدها- را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

علت دور:

روشن نبودن نظریه‌ی تعلیم و تربیت عمومی در جمهوری اسلامی و نحوه‌ی ارتباط نهاد تعلیم و تربیت عمومی با سایر نهادها در نگاه اسلامی

علت نزدیک:

در این قسمت باید به دو علت (ذهنی و عینی) اشاره کرد:

علت ذهنی: غلبه‌ی نگاه تقلیدی و بی‌توجهی به اصل "نیاز" در آموزش و پرورش مبتنی بر نیازهای تربیتی و معیشتی افراد در جمهوری اسلامی.

علت عینی: مهم‌ترین علت عینی هم مواردی از قبیل الف) کمبود نیروی انسانی توانا و متعهد در امر تعلیم و تربیت ب) اولویت یافتن سایر حوزه‌های حیات اجتماعی بر حوزه‌ی تربیتی در نگاه حاکمیت ج) غلبه‌ی نگاه ابزاری و اقتصادی به آموزش و پرورش و غفلت از شأن تربیتی آن، د) وجود دولت رانتی نفتی به‌عنوان مشکلی هم‌ارز در عرصه‌ی اقتصاد سیاسی باعث شده که ناکارآمدی‌های نظام آپ چه از نظر کارکرد ساختاری و چه از نظر تربیت خروجی مطلوب، در زیر پمپاژ فراوان منابع نفتی نادیده بماند و جامعه ناکارآمدی این نظام را به‌مثابه یک معضل احساس نکند.

مسئله:

با توجه به زمینه‌های بالا، نظام آپ در هر ۳ لایه‌ی، الف) برنامه‌ها و محتواهای درسی ب) ساختارها ج) همچنین نیروهای انسانی از فقدان حضور معنادار گرایش و بینش دینی و بومی رنج می‌برد.

معلول‌ها و پیامدهای نزدیک:

۱. به‌هم‌ریختگی نظام شغل و معیشت

۲. تأخیر ازدواج و تشدید بحران ازدواج و بحران جنسی

۳. گسترش برخی ویژگی‌های تربیتی و اخلاقی منفی (تقلید محوری، خلاقیت‌گریزی، مسئولیت‌گریزی، تنبلی، مادی‌گرایی و...)

۴. محوریت افراطی علوم طبیعی

۵. تمهید زمینه‌های پیدایش تضاد علم و دین در اذهان جامعه (به‌طور خاص قشر تحصیل‌کرده)

پیامد دور:

شاید مهم‌ترین پیامد دور مسئله‌ی آپ را بتوان نوعی قفل‌شدگی ذهنی در سطح کلان جامعه دانست. به این معنا که آن سطح از خلاقیت، حریت، جرئت شکستن نظام اجتماعی غربی و اراده‌ی جدی برای حرکت عمومی به سمت نظام حیات اجتماعی اسلامی را که انقلاب اسلامی در گذار از مرحله‌ی سوم (نظام اسلامی به دولت اسلامی^۲) و چهارم خود (دولت اسلامی به کشور اسلامی) برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی نیازمند است، در دانش آموزان تربیت‌شده در چنین نظام آموزش و پرورش حاصل نخواهد شد.

پیشینه‌ی اقدامات:

از آنجاکه عرصه‌ی تعلیم و تربیت و نظام آپ عرصه‌ای تقریباً سه لایه و شامل الف) تئوری تعلیم و تربیت ب) ساختارهای کلان و نظام تعلیم و تربیت ج) درنهایت نیز سنگر تعلیم و تربیت (مدرسه، مکتب و ...) است. ابتدا پیشینه‌ی اقدامات این عرصه در لایه‌های اول و سوم را بیان کرده و سپس به لایه‌ی مبتلا به ما در این بحث یعنی لایه‌ی دوم (ساختار و نظام تعلیم و تربیت) می‌پردازیم:

از زمان ورود مدارس نوین به ایران و برچیده شدن تدریجی مکتب‌خانه‌ها و نظام تربیت شغلی استاد-شاگردی، بخشی از بدنه‌ی اجتماعی در کشورمان به دیده‌ی تردید به مدارس جدید و اثرات فرهنگی و دینی آن‌ها نگرسته و به‌طور خودجوش دست به تأسیس مدارس بانام مدارس اسلامی زدند. اقداماتی از قبیل قرار گرفتن درس دینی در بین دروس رسمی مدارس به پیشنهاد مرحوم آیت‌الله بروجردی و یا حضور شهیدان بهشتی و باهنر در تدوین کتب دینی مدارس قبل از انقلاب و نیز تجربه‌ی چند دهه‌ی گذشته در زمینه‌ی مدارس اسلامی در کنار تجربیات حکومتی بعد از انقلاب در ایجاد برخی تحولات در سطح آموزش و پرورش (مثلاً تأسیس معاونت پرورشی و ...) و نیز تجربه‌ی کانون‌ها و نهادهای فعال در امر تعلیم و تربیت، به‌طور خاص در بعد از انقلاب (کانون‌های فرهنگی مساجد و ...) را می‌توان پیشینه‌ی عملی برای اقدامات این حوزه دانست. همچنین برخی تلاش‌هایی که عموماً در دوره‌ی پس از انقلاب در سطح حوزوی و یا دانشگاهی برای تدوین نظریه‌ی تعلیم و تربیت عمومی در جمهوری اسلامی صورت گرفته را باید پیشینه‌ی نظری این حرکت بدانیم. ضمناً در هر دو حوزه‌ی نظری و عملی، تجربیاتی نیز در چند دهه‌ی اخیر در برخی کشورهای اسلامی انجام شده است. در سطح جهانی نیز نظام مدارس دینی در برخی از کشورهای غربی که به‌صورت گسترده در کنار نظام مدارس دولتی قرار دارند و ادبیات نظری تولیدشده حول آن‌ها می‌تواند در زمره‌ی پیشینه‌ی اقدامات مربوط به طراحی نظام تعلیم و تربیت با رویکرد دینی قرار بگیرد. لازم به ذکر است که بخش معتنا به‌ای از تجربیات نظری و عملی نظام تعلیم و تربیت سنتی ایرانی-اسلامی در قرون گذشته نیز عملاً مصدری برای استحصال رویکردهای نهادسازانه‌ی تربیت اسلامی و زمینه‌ای برای حرکت امروز ما محسوب می‌شود.

اما در مورد ورود نظام وار به این عرصه باید گفت: برخی حرکت‌ها در دفتر تألیف کتب درسی آپ در راستای اسلامی سازی آن‌ها از دهه‌ی شصت به بعد و در سال‌های اخیر نیز طرح تحول بنیادین نظام آپ برخی قدم‌ها در این مسیر را

۱. مطابق تصویری که رهبر انقلاب از مراحل تکامل انقلاب اسلامی ارائه داده‌اند این ۵ مرحله عبارت‌اند از: نهضت اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و درنهایت نیز تمدن اسلامی.

برداشته‌اند که حاصل آن‌ها تشکیل کمیته‌ی تعلیم و تربیت در شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده است. از حدود یک دهه پیش نیز با تشکیل دبیرخانه‌ی همکاری‌های حوزه و آپ (با مسئولیت مشاور وزیر در امور همکاری با حوزه) و امضای چندین تفاهم‌نامه، امکان حضور سازمان‌یافته و متشکل حوزه در لایه‌های مختلف آپ (از سندنویسی و طراحی ساختار تا مدرسه داری و تبلیغ فرهنگی) فراهم شده اما از سویی به دلیل عدم حضور قابل اعتناء نخبگان حوزوی در بدنه‌ی طراح و مجری خود آپ و از سوی دیگر به خاطر ظرفیت بسیار محدود دفتر همکاری‌های حوزه و آپ (از نظر نیروی انسانی و تأثیرگذاری و تسلط بر بدنه‌ی حوزه) عملاً همکاری‌های حوزه و آپ در سطوحی عمومی و کم اثر (مانند اعزام مناسبتی مبلغ) و یا اداری و تشریفاتی (سندنویسی و تفاهم‌نامه) محدود مانده است. دفتر تبلیغات با توجه به ظرفیت بالای انسانی و تشکیلاتی خود می‌تواند از طرفی بخشی از توان بالقوه‌ی حوزه را در این عرصه به نحو تخصصی بسیج کند و از سوی دیگر با تعامل هوشمند و دقیق با آپ (ولو از کانال دفتر همکاری‌های حوزه و آپ) به اثرگذاری جدی در لایه‌های محتوایی، طراحی و اجرای نظام آپ پردازد. و به ارتباط حوزه و آپ شکلی غیر تشریفاتی و غیرعمومی (هدفمند) دهد.

چرخه عمر مسئله:

از ابتدای انقلاب اسلامی، ضرورت ایجاد تحول اساسی در نهاد آپ به‌عنوان یک نیاز جدی احساس شد اما به تدریج و با جدی‌تر شدن رویارویی انقلاب با تهاجم فرهنگ غرب، این نیاز شکل یک‌فوریت را به خود گرفت در حدی که در چند سال گذشته مسئله‌ی تحول بنیادین نظام آپ تقریباً به مهم‌ترین دغدغه‌ی حاکمیت در این عرصه تبدیل شده است. در توضیح این امر باید گفت که پس از ورود نظام آپ مدرن به ایران مواجهه‌ی منفعلانه با ساختار و محتوای معرفتی آن باعث شده بود که جامعه صرفاً در حد برخی عوارض جانبی مانند اختلاط جنسیتی در مدارس و ظواهر شرعی نسبت به آن مسئله مند شود. نخبگان دینی نیز بدون توجه به الزامات ساختاری و تحول‌آفرین این نهاد جدید بعضاً با بی‌تفاوتی و بعضاً با خوش‌بینی (و حداکثر در حد برخی ضوابط ظاهری شرعی) با آن روبه‌رو شده و به تلویحاً امکان‌پذیری تربیت دینی مطلوب درون این ساختار و محتوای جدید را پذیرفتند. این نگاه باعث شد تا آپ مدرن و مشکلات آن علی‌رغم عام‌الجلوی بودن، هیچ‌گاه در جامعه‌ی ما به‌صورت یک معضل یا بحران رخ ننماید. سرگرمی دولت‌های بعد از انقلاب به جنگ و سپس برنامه‌های مدرنیزاسیون و توسعه‌ی اقتصادی نیز میل آن‌ها را برای صرف منابع مالی در این حوزه (که از لوازم هر نوع تحولی پنداشته می‌شد) به تدریج کاهش داد و جامعه هم در مسابقه‌ی کسب منزلت اجتماعی و آموزش و درآمد بیشتر، نگاه تحول خواهانه‌ای به آپ نداشت و عموم اعتراضات و جریان‌های اجتماعی در این فضا یا به دغدغه‌ی کیفیت آموزش علوم طبیعی از سوی والدین و یا به دغدغه‌ی نظام معیشتی از سوی معلمان فروکاسته شد. تنها در سال‌های اخیر بود که با موج جدید تحول‌خواهی در علوم انسانی و نیز شدت گرفتن تهاجم فرهنگی، روح معرفتی و فرهنگی حاکم بر نظام آموزش و پرورش از سوی برخی خبرگان مورد پرسش قرار گرفت و این امر به یک مسئله‌ی نخبگانی تبدیل شد. مسائل مربوط به اقتصاد و نظام بازار کار و بیکاری و ... نیز پرسش‌هایی را در برابر بهینه بودن فرآیند زمینه‌سازی تربیت فنی-شغلی افراد در این حوزه قرارداد. درواقع مسئله‌ی آپ را باید یک معضل از نوع پیچیده و نیمه پنهان دانست که برای

جلوگیری از تبدیل شدن آن به یک بحران پنهان که به نحو غیرمنتظره‌ای جامعه را با آسیب‌های گریزناپذیر روبه‌رو کند، باید با آگاه‌سازی جامعه و تبیین این معضل در دو عرصه‌ی نخبگانی و عمومی، مطالبه‌ی جدی جامعه برای ایجاد تحول در این عرصه را به تدریج ایجاد و در مسیر درست هدایت کرد.

چارچوب نظری مسئله: نگاه تکامل‌گرا به تعلیم و تربیت اسلامی بر اساس درک اجمالی مشترکی که از نظریه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی وجود دارد، علی‌رغم اینکه این نظریه هنوز شرح و بسط لازم را پیدا نکرده است، نظام تعلیم و تربیت در کشور باید رویکردی تکامل‌گرا داشته باشد و باعث شکوفایی استعداد‌های گوناگون فطری افراد و نیز آماده‌سازی آن‌ها برای ایفای نقش‌های مؤثر در فرآیند ساختن یک جامعه‌ی اسلامی شود. از این‌رو تمامی مؤلفه‌های ساختاری و محتوایی در نظام آ.پ باید در جهت برآوردن این دو نیاز باشد و هر ترتیباتی که باعث ایجاد وقفه یا ضعف در این فرآیند گردد انحراف از تعلیم و تربیت رسمی طراز جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. در چارچوب این نگاه است که دو انتظار جدی از نظام آ.پ می‌رود: یکی تقویت روحیه‌ی حریت و عدم تقلید و دیگری تقویت روح عقلانیت که این هر دو مبتنی بر نگاه شکوفایی فطری منجر به دین‌داری انتخاب‌گرانه و فعال در افراد می‌گردد. هر دو این ویژگی‌ها در نظام آ.پ امروز بسیار ضعیف به نظر می‌رسند.

مدل مفهومی و نظریه‌ی پایه در حل مسئله: برخلاف تلقی اولیه، محتوا و نظام آ.پ مدرن غربی، صرفاً یک محصول ناب معرفتی نیست، بلکه بسط و گسترش آن، چه در فرهنگ غربی و چه فرهنگ‌های دیگر، تابع بسط و گسترش نهادها، ساختارها و سازمان‌های عینی و اجرایی است. خاصه اینکه برخی از متفکران منتقد در عرصه‌ی جهانی، این نظام را تا حد زیادی جزء ساختارهای سرمایه‌داری به شمار می‌آورند. از این‌رو مدل مفهومی برای حل این مسئله، متکی بر سه وجه معرفتی، روان‌شناختی و عینی است. در وجه معرفتی به مبانی معرفتی علوم موجود در این حوزه توجه می‌شود؛ در وجه روان‌شناختی به عاملان آن، یعنی معلمان و برنامه ریزان آ.پ و انگیزه‌ها و سائقه‌های غیرمعرفتی آن‌ها و همچنین به نظام ذهنی والدین و دانش‌آموزان و سایر طبقات اجتماعی درگیر با آ.پ به‌طور خاص جنبه‌ی دین‌شناختی ذهن آن‌ها توجه می‌شود؛ وجه عینی نیز به ساختارها و نهادهایی که شاکله‌ی عینی این نظام را تشکیل می‌دهند و یا به شکل غیرمستقیم به بازتولید آن اقدام می‌کنند، اشاره دارد. در این مدل مفهومی، هر سه وجه مذکور در ارتباط با مبانی اسلامی سنجیده می‌شوند. در حرکت نظری و عملی ما نیز با توجه به محوریت عامل انسانی (معلم) در این نظام، تلاش می‌شود حداکثر توجه به این عامل مبذول شده و به‌نوعی آن را عامل کانونی برای حل مسئله بدانیم.

ابعاد
نظری

سایر موارد ضروری به تشخیص میز: